

قصه‌های

شماره ۲۴
۲۰ آذر ماه
۱۴۰۰

شعر
بخوانیم

پرستار

عروسک خانم من
مچ پایش شکسته
شده غمگین و ساکت
کنار من نشسته

چرا افتاده بوده
کنار پای داداش؟
عروسک خانم من
مواظب بود، ای کاش

کمی قلبم شکسته
از این کار عروسک
از امشب می شوم من
پرستار عروسک

شاعر: سمیه تهرانی

